

اعلام «حمایت» مشروط عبیدی  
از «پیشنهاد عالی» کیهان

عباس عبیدی فعال سیاسی اصلاح طلب با اشاره به پیشنهاد روزنامه کیهان مبنی بر اینکه «همه هنرمندان باید در دادگاه پاسخگو باشند» نوشت: از این پیشنهاد عالی حمایت می‌کنم ولی نه غیرعلنی، بلکه دادگاه علنی تشکیل و اتهامات خوانده شود و آنان و دیگر بازداشتی‌ها با وکلای خود در دادگاه حاضر شوند. گزارش کامل تصویری یا مکتوب نیز منتشر شود. یک‌بار این را انجام دهید.

# پیشنهاد عالی

سال هفدهم - شماره ۷۴۶ - چهارشنبه ۲۰ مهر ۱۴۰۱ - ۱۵ ربیع الاول ۱۴۴۴ - قیمت ۲۰۰۰ تومان

انعکاس آینه

## آقای رئیسی! استماع نقد و نظر مردم و بررسی آن مقدم بر سفر نیویورک نبود؟

ساعت ۶ بعدازظهر روز ۲۲ شهریورماه مهسا امینی دختر ۲۲ ساله سقزی در نزدیکی ایستگاه متروی شهید حقانی تهران در حالی که همراه برادرش بود توسط گشت ارشاد دستگیر شد او را برای گذراندن کلاس توجیهی به بازداشتگاه منتقل کردند و در ۲۵ شهریورماه در بیمارستان کسری در گذشت و مرگ غمناکش دل‌ها را سوزاند. بسیاری از افراد و اقشار و طبقات مختلف واکنش نشان دادند و به نحوی تأثر خود را از این واقعه در مذاکرات ابراز نمودند.

سیدابراهیم رئیسی ریاست قوه مجریه که دومین مقام کشور می‌باشد در اقدامی ارزشمند در تاریخ ۲۷ شهریورماه طی تماس تلفنی به خانواده مهسا امینی تسلیت گفت و از جمله اظهار داشت: «دستور داده‌ام با دقت رسیدگی شود تا هیچ حقی ضایع نشود... دختر شما و همه دختران ایران فرزندان من هستند و احساس من در این حادثه مانند دست دادن یکی از عزیزانم است...» رئیس‌جمهور در ۲۸ شهریورماه عازم نیویورک شد. نگارنده این سطور نظر خوانندگان را به این نکته جلب می‌نماید که پس از پیروزی انقلاب اسلامی سفر سیدابراهیم رئیسی به نیویورک بیست‌مین سفر نخست‌وزیر و روسای جمهور ایران به سازمان ملل متحد می‌باشد. در ۲۶ مهرماه سال ۱۳۵۹ شهید محمدعلی رجایی با عنوان نخست‌وزیر در سفر به نیویورک در شورای امنیت سخنرانی کرد و پای شکنجه‌یافته خود را روی میز کنفرانس خبری گذاشت و با نشان دادن آثار شکنجه‌ها در زندان‌های رژیم شاه از قدرت‌هایی که ایران را حمایت کرده بودند انتقاد کرد. مقام رهبری در سمت رئیس‌جمهور در ۲۱ شهریورماه ۱۳۶۶ ضمن سخنرانی در سازمان ملل به جنایات صدام حسین در جنگ تحمیلی اشاره نمودند. حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمد خاتمی در ۳۰ شهریورماه ۱۳۷۷ و در دومین حضور خود در سال ۱۳۷۹ از «گفتگوی تمدن‌ها» سخن گفت و نام ایران را در زمینه این پیشنهاد در تاریخ سازمان ملل ثبت کرد. مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در دو دوره ۸ ساله ریاست جمهوری به سازمان ملل نرفت که با توجه به روحیه و تشخیص ایشان به ضرورت در توسعه روابط بین‌المللی شاید موارد با اهمیت‌تری ایجاب می‌کرد که حضور مدیریت خود را در کشور حفظ کند. دکتر محمود احمدی‌نژاد ۸ بار به سازمان ملل سفر کرد و از جمله تعداد همراهان و بعضاً با همسرانشان و یا چمدان‌های بزرگ در دست و ماجرای دیدن «هاله نور» و صرف هزینه‌های گزاف را در تاریخ دیپلماسی و سیاسی کشور ثبت کرد و دکتر حسن روحانی هفت‌بار به صورت حضوری و یک‌بار هم به دلیل «کرونا» به صورت مجازی سخنرانی کرد و موافقان و مخالفان درباره ۸ دور سفر رئیس دولت یازدهم و دوازدهم نظراتی ابراز نموده‌اند اما سیدابراهیم رئیسی که اخیراً برای اولین بار به سازمان ملل سفر نموده است بعضی از اصولگرایان نتیجه آن سفر را در حد «صفر» دانسته‌اند و یکی از صاحبان تریبون‌های رسمی در موافقت با این سفر اعلام نموده: «دشمنان ایران زمین برای مذاکره با رئیس‌جمهور دولت سیزدهم به صف ایستاده بودند.» و صدا و سیما هم درباره اثاث و وسایل همراهان و سوغاتی‌های خریداری شده با نشان دادن فیلمی اعلام نمود چمدان‌ها و بسته‌بندی‌ها بیشتر، وسایل زندگی یکی از دیپلمات‌ها است که در کارتن موز و پوشک بچه بسته‌بندی شده و برای حمل به ایران از هتل به فرودگاه حمل می‌کرده‌اند اما از حق مأموریت‌ها و دلارهای هزینه شده آماری انتشار نیافت. نکته مهمتر این‌که شهروندان و مردم این سرزمین می‌دانند در یکسال اخیر نه تنها در نحوه زندگیشان تغییری حاصل نشده است بلکه وضعیت معیشت مردم به مراتب بدتر شده است. حوادث و اتفاقات ناگواری که در این برهه از زمان در ایران رخ داد اقتضا می‌کرد ریاست جمهوری از سفر به نیویورک خودداری می‌نمود و این مأموریت به یکی از معاونان یا وزیر امور خارجه محول می‌گردید تا رئیس‌جمهور بتواند با توجه به اعتراضات با استفاده از تجربیات گذشته و نظرات مشاوران دلسوز و علاقه‌مند به انقلاب و میهن و درس گرفتن از پیش‌آمدن وقایعی این چنین مسئولیت و هماهنگی اداره امور را به عهده گیرد.

## چرا فرهنگ رسمی نزد جوانان معترض جذاب نیست؟



روحانیون چنان درگیر سیاست و قدرت شدند که کار تبلیغ فرهنگ رسمی به خصوص در صداوسیما به دست مداحان افتاد، سر و کار مداحان هم با احساسات است.

نکات می‌توان اشاره کرد:

اول: هیچ‌کس نمی‌تواند انکار کند که لیبرالیسم و حتی فرهنگ سرمایه‌داری با زرق و برق و رنگ و روغن فراوان دست‌کم از حیث ظاهر جذاب است. دستگاه رسمی فرهنگی اما از ابتدا برای مقابله با ماتریالیسم و کمونیسم و مارکسیسم طراحی شده بود که این که همت نظریه‌پردازانی چون دکتر سرروش در آغاز جمهوری اسلامی معطوف به دفاع از اسلام در مقابل ماتریالیسم بود و نه لیبرالیسم. وقتی خود او بعدتر متأثر از آرای کارل پوپر از تکثرگرایی و پلورالیسم و نه الزاماً لیبرالیسم دفاع کرد به جای این که کسی مانند خود او را به هم‌وردی بفرستند گروه فشار مأموریت یافت و تبلیغ فرهنگ رسمی که روزگاری در ادبیات فلسفی و استدلالی امثال سرروش در مکتوبات جلوه می‌کرد به دست گروه فشار و بعدتر مداحان افتاد.

همچنان جذاب است ولی پرسش این یادداشت کاهش جذابیت یا نا جذابیت نزد معترضان است نه میان حامیان و معترضان و تعداد و درصد دو گروه را هم با انتخابات می‌توان سنجید نه با تکرار تجمع‌ها در چند روز در فضای امن و با تبلیغ و اجازه ندادن و ناامن کردن برای دیگران. جامعه‌شناسانی که در روزهای اخیر و در گفت‌وگوهای منتشره در رسانه‌های رسمی یا حتی در برنامه «شبهه» در صدا و سیما به جنس فرهنگی این اعتراضات اشاره کرده‌اند نیز البته نقش پیشینه سیاسی و معیشتی را انکار نمی‌کنند و تلاش دیگران برای بهره‌برداری‌های سیاسی هم قابل انکار نیست اما هر یک می‌تواند موضوع یادداشت جداگانه‌ای باشد و در اینجا پرسش مشخص این است که چرا فرهنگ رسمی برای جوانان معترض جذاب نیست؟ در پاسخ به این پرسش که به صورت یک گزاره پیش چشم همه ماست و در چند هفته اخیر عیان و عریان‌تر هم شده به این موارد و

اگر جنس اعتراضات اخیر یا جاری را بیشتر «فرهنگی» بدانیم این پرسش به میان می‌آید که چرا فرهنگ رسمی برای جوانان معترض یا «نسل زد» متأثر از انقلاب هوش و فضای دیجیتال - جذاب نیست؟ عصر ایران؛ مهرداد خدیو - اگر جنس اعتراضات اخیر یا جاری را بیشتر «فرهنگی» بدانیم (از این حیث که ماهیت اعتراضات در سال‌های ۷۸ و ۸۸ سیاسی و در سال‌های ۹۶ و ۹۸ اقتصادی - معیشتی بود) آن‌گاه این پرسش به میان می‌آید که چرا فرهنگ رسمی برای جوانان معترض یا نسل جدید که اصطلاحاً به عنوان «نسل زد» - نسلی متأثر از انقلاب هوش و زیسته در فضای دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی - جذاب نیست؟

در ادبیات رسمی و در رسانه‌های حکومتی البته با انکار یا تحقیر این بخش و با استناد به مراسم رسمی یا ایدیولوژیک اصرار فراوانی به چشم می‌خورد که گفته شود

گزیده مطالب این شماره:

به دلیل بر خوردهای  
ناشیانه، نسل جوان  
دین‌گریز شده‌اند

بیانیه‌ی

۱۷۰ فارغ‌التحصیل شریف  
و نامه‌ی ۱۲۰ عضو هیات  
علمی دانشگاه ایران  
در مورد وقایع اخیر

آقای حداد! دو قطبی را  
چه کسی ساخت؟

از گودهای حادثه خیز  
تا زباله‌دان‌های  
شهر میراث جهانی

دل‌م‌می‌سوزد  
و کاری ز دستم بر نمی‌آید

### تاجزاده به به هشت سال حبس محکوم شده است

ایسنا نوشت: «وکیل مصطفی تاجزاده از محکومیت موکلش به ۸ سال حبس خبر داد و گفت: طبق قانون ۵ سال از آن قابل اجراء است. هوشنگ پوربایی در این باره گفت: بر اساس حکم قطعیت یافته از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب، موکل به اتهام‌های اجتماع و تبانی بر علیه امنیت به (۵ سال حبس) و نشر اکاذیب (۲ سال) و تبلیغ علیه نظام (یک سال) و مجموعاً به ۸ سال حبس محکوم شده که مطابق ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی ۵ سال از آن قابل اجراء است. وی گفت: این رای بدلیل عدم تجدیدنظر و عدم اعتراض موکل قطعی است و در حال اجراء است.

ادامه در صفحه ۲۴

### مؤسسه خیریه حضرت مجتبی‌حامیم

به خواست ایزد منان و با تأییدات حضرات معصومین صلوات... علیهم اجمعین به منظور گره‌گشایی از کار مردم و سعی در رفع پیچیدگی‌ها و آلام هم‌نوعان عزیز و ارجمند، مدیران و اعضای هیات‌مدیره مجتمع آموزشی حضرت مجتبی(ع) علاوه بر انجام وظیفه در اداره امور شرکت‌های فرهنگیان یزد، و ادامه فعالیت در

آن زمینه‌ها توفیق یافته‌اند سازمان خیریه مردم نهاد به نام «مؤسسه خیریه حضرت مجتبی‌حامیم» به شماره ثبت ۲۰۲۲ تأسیس نمایند تا به باری هم‌شهریان محترم در حد وسع و توان در انجام امور خیر بکوشند و خیرمندان و کارگشایان و نیک‌اندیشان و دلسوزان و پناه‌دهندگان و مسئولیت‌پذیران و همه آنها که دستی در کار خیر دارند را به مشارکت بطلبند و اقدامات خداپسندانه‌ای به مرحله اجرا و عمل در آورند. مهمترین اهداف این مؤسسه خیریه عبارت است از: ۱- مساعدت و کمک به درمان خانواده‌های کم‌درآمد فرهنگی اعم از شاغل و بازنشسته و مستمری‌بگیر. ۲- پرداخت دیه زندانیان جرایم غیرعمدا از خانواده دانش‌آموزان. ۳- پرداخت هزینه‌های تحصیلی و تحقیقی دانش‌آموزان و دانشجویان مستعد و نیازمند. ۴- مساعدت در ایجاد مؤسسات فرهنگی و آموزشی. ۵- پرداخت شهریه و کمک هزینه تحصیلی به دانش‌آموزان و دانشجویان غیربرخوردار و سایر کمک‌های ضروری در حوادث و بحران‌های اجتماعی عنداللزوم.

اینها رئوس مساعدت‌ها و سرفصل اقدامات خداپسندانه‌ای است که این مؤسسه خیریه که به یاری پروردگار تاکنون توانسته است با همت عالی مردان و زنان نیکوخصال و یاری و همگامی و همراهی خیرخواهان به منصف ظهور و بروز برساند.

علاقه‌مندان می‌توانند در صورت تمایل با واریز هر مبلغی که بخواهند به شماره کارت ۶۲۷۴۱۲۱۹۴۰۰۵۶۹۸۹ یا شماره حساب ۳۷۰۲۲۲۰۰۰۰۰۰۱۱ بانک اقتصاد نوین شعبه صفائیه و یا شماره حساب ۰۱۱۲۹۰۲۶۵۱۰۰۹ بانک صادرات صفائیه شعبه ابوذر از یاری‌رسانان این مؤسسه خیریه باشند.



### جاودانگی و ابدیت فقط او را سزااست

از شمار دو چشم یک تن کم / وز شمار خرد هزاران بیش  
ارتحال مرحوم دکتر جلیل بهارستان عضو هیات علمی دانشگاه و از خبرگان شورای آموزش و پرورش استان و پیشگامان وحدت حوزه و دانشگاه و پیوند دهنده مبانی نظری روانشناسی با قرآن و حدیث را به سرکار خانم مهرپور همسر محترمشان که از فرهنگیان متعهد و پیشکسوت تعلیم و تربیت می‌باشند و به فرزندان برومند و فرهمند آن فقید سعید و جامعه فرهنگی و دانشگاهی تسلیت می‌گوییم و از پروردگار یکتا مسألت می‌نماییم شادروان جلیل بهارستان را با نیکان و صالحان محشور و به یکایک بازماندگان و خانواده‌های عزادار صبر و شکیبایی عطا فرماید.

مجتمع آموزشی حضرت مجتبی(ع)  
هیات تحریر به هفته‌نامه آینه یزد

### بقاء مختص ذات پروردگار یکتاست

همکار محترم سرکار خانم مهدیه منصوری

با نهایت تأسف درگذشت پدر بزرگوارتان شادروان حاج علی منصوری را به شما همکار محترم و والده ارجمندتان و فرزندان آن مرحوم تسلیت عرض می‌نماییم. خداوند منان فقید سعید حاج علی منصوری را با نیکان و صالحان محشور و به یکایک خوبشاورندان و خانواده‌های عزادار شکیبایی و تندرستی عطا فرماید.

مجتمع آموزشی حضرت مجتبی(ع)

ادامه در صفحه ۲۴

### انعکاس آیین

## آقای رئیسی! استماع نقد و نظر مردم و بررسی آن مقدم بر سفر نیویورک نبود؟

از بروز خشم انباشته از ناکامی‌ها و فقر و بیکاری و گاه عدم رعایت عدالت و انصاف که اثرات آن در زندگی مردم بویژه نوجوانان و جوانان بوجود آمده جلوگیری کند و نمی‌گذاشتد در بسیاری از نقاط انبار این خشم و غضب منفجر گردد و در نهایت با شنیدن نقدها و نظرها و اعتراضات این موضوع مهم هر چه زودتر حل و فصل می‌شود و یا حداقل آرام‌تر برگزار می‌گردید تا همانند آتشی زیر خاکستر به آینده منتقل نگردد. در این‌صورت چه بسا بعضی از نیروهای خودسر از اقداماتی که درگیری‌ها را شعله‌ورتر می‌کند دوری می‌نمودند و با توضیحات مسئولان و افراد مورد اعتماد مردم، معترضان اقناع می‌شدند و صدمات کمتر می‌شد. مهم‌تر آن‌که اگر در آغاز پیدایش این واقعه یکی از افرادی که در دستگیری و انتقال مهسا امینی به محلی که می‌گردید می‌خواستند وی را ارشاد نمایند دستور داده می‌شد تا هنگام رسیدگی به این امر ولو به صورت موقت تغییر سمت بدهد یا برکنار گردد و یا یکی از مقامات انتظامی از خانواده امینی و مردم عذرخواهی می‌کرد شاید جلوی بسیاری از واکنش‌ها و عکس‌العمل‌ها گرفته می‌شد و چه بسا میدان پنهان از دست مخالفان نظام و دشمنان این ملت و شبکه‌های معاند گرفته می‌شد و به این طریق نمی‌توانستند بخشی از جامعه را طرفدار حجاب و قسمتی را طرفدار بی‌حجابی و حتی هرزگی و برهنگی معرفی نمایند و در نهایت مطالبات اصلی نادیده گرفته شود و عده‌ای از دوستان ناآگاه داخلی هم که گاه از رسانه ملی استفاده می‌کردند به گونه‌ای عنوان نمودند که مطالبات مردم بی‌حجابی و برهنگی است.

عموم شهروندان به این نکته واقف هستند که گشت ارشاد به صورت کنونی جایگاهی از نظر حقوقی ندارد و در این ستون مقاله‌ای تحت عنوان «به مردم توهمین نکند و به جای گشت ارشاد طرحی نو دراندازید» مورخ ۱۴۰۱/۵/۵ تقدیم خوانندگان آیینیه گردید. ضمناً طی سالیان متمادی مشخص شده است دستگیری دختران و خانم‌هایی که حجاب مناسبی ندارند و آنها را سوار بر «ون» می‌کنند و گاه قسمت‌هایی از بدن آنان نمایان می‌گردد یا با بغل کردن و تهدید، دستگیرشدگان را به داخل ماشین می‌اندازند گرچه به اصطلاح ساعتی هم آنان را مورد مشاوره قرار می‌دهند تا ارشاد شوند نه تنها نتیجه‌مناسبی نداشته بلکه اثرات سوپی نیز در دل‌ها به جا گذاشته است. مردم از رئیس‌جمهور که مکرر از عدالت‌سرخن می‌گوید می‌پرسند زنان بدحجابی که ایام انتخابات ریاست جمهوری دوره سیزدهم عکس کاندیدای خود را روی سینه گذاشته و با بالای سر گرفته‌اند چرا ارشاد نشدند و چرا از گشت ارشاد خبری نبود؟ قانوناً نیز ضابط دادگستری حق احضار، دستگیری، تنبیه و در نهایت اخذ تعهد را ندارد بویژه گروهی از مردم احساس می‌کنند به جای پرداختن به حل مشکلات معیشتی و رفاهی شهروندان و حل مساله گرانی و تورم و بیکاری و مسکن و بسیاری دیگر، مساله حجاب را به چالش امنیتی تبدیل کرده‌اند. ده‌ها میلیون نفر با گوشت و پوست و استخوان خود لیس می‌کنند و گرانی‌های کمرشکن و طاقت‌فرسا و تورم موجود، خردکننده و فسادزا می‌باشند نابسامانی‌های اقتصادی و معیشتی کوچکتر شدن سفره‌ها را در پی داشته و در اثر عدم رعایت عدل و انصاف و در نهایت در اثر چترایی اقتصادی در موقعیتی نامناسب به علت عدم نظارت مسئولان ذی‌ربط به جای گران شدن چند قلم کالا چندصد کالا و مایحتاج زندگی سرسام‌آور گران شده و در واقع تورم و گرانی دمار از روزگار نه تنها کسانی که زیر خط فقر زندگی می‌کنند بلکه عده‌ای از طبقات متوسط را هم به ستوه آورده است.

دولت سیزدهم در سال اول حکومت نتوانسته است بنابه گفته شهید آیت… سیدحسین مدرس نماینده دانا و توانا و دلسوز و سادەزیست مجلس شورای ملی به «تعمیر پلاد» و «تامین عباد» بپردازد. اواخر سال ۱۴۰۰ سیدابراهیم رئیسی در نظر داشت تا پایان ماهان سال قفر مطلق را از بین ببرد و این امر به سال ۱۴۰۱ موزول گردید و حالا هفتمین ماه سال را سیری می‌کنیم آیا روزبه‌روز ادامه زندگی بر مردم سخت‌تر و دشوارتر نشده است؟ بسیاری از وعده‌های سیدابراهیم رئیسی تحقق نیافته و ازجمله وعده ساخت ۴میلیون مسکن در چهار سال به نسبت بر زمین مانده است. اختلافات فاحش طبقاتی بیاد می‌کنند در خیابان‌های تهران و

بسیاری از شهرهای دیگر می‌بینیم اتومبیل‌های چندمیلیارد تومانی و عده‌ای با دریافت حقوق‌های نجومی و درآمدهای کلان در رفّت و آمد هستند و با سرعت به سوی ویلاها و آپارتمان‌ها و باغ‌های چند ده و چندصد میلیارد تومانی می‌روند درحالی که فراوانند زنان و مردان و دختران و پسرانی که از حداقل درآمد روزانه محروم هستند، مسکن مناسب ندارند و عده‌ای در سطل‌های زباله تا کمر خم می‌شوند بلکه نتوانند چیزی بیابند و برای امرارعاش به فروش برسانند یا تم‌مانده غذایی و قوت بخور و نمیری به دست آورند یا در چهارراه‌ها گل‌فروشی و دستفروشی کنند یعنی در واقع زندگی این افراد مردن تل‌گریزی است و ده‌ها میلیون نفر در اثر ناداری و عدم دسترسی به امکانات رفاهی و بهداشتی در مضیقّه هستند.

بازها خوانده‌ایم که عده‌ای پس از دستگیری اعتراف می‌کنند برای تامین پول جهت معالجه پدر یا مادر یا یکی از اعضای خانواده‌شان به زدی، قفسا، فحشا، کیف قاپی، درزدین موبایل و جیب‌بری روی آورده‌اند. به هر حال نظر نویسنده این سطور این بود که چون رئیس‌جمهور مسئولیت اجرای قانون اساسی را به عهده دارد و به جز اموری که قانون به عهده مقام رهبری گذاشته است می‌تواند و باید اداره امور کشور را بر عهده بگیرد می‌توانست با یک‌گریزی نیروهای دانا و دلسوز و علاقه‌مند به این سرزمین نظارت کامل بر امور داشته باشد چه بسا جان‌های عده‌ای از مدافعان امنیت و اعتراض‌کنندگان حفظ و در حد توان از حوادث و وقایع ناگوار پیش آمده جلوگیری می‌شد و زودتر آرامش به این سرزمین بازمی‌گشت.

آخرین نکته این‌که برابر با قانون ورود نیروهای نظامی و انتظامی و مسلح به دانشگاه‌ها ممنوع است اما از جمله در دانشگاه صنعتی شریف که دانش‌جویان جمععاتی داشتند و با سر دادن شعارهایی اعتراض خود را نسبت به وقایع اخیر نشان می‌دادند عده‌ای وارد محیط دانشگاه صنعتی شریف شدند و آن‌گونه که بعضی از خبرگزاری‌ها نقل کرده‌اند با گلوله‌های پلاستیکی به سمت دانشجویان شلیک کردند و اوضاع در آن حد وخیم شد که وزیر علوم همان شب وارد دانشگاه شد و عده‌ای از مردم نیز اطراف دانشگاه جمع شده بودند تا فرزندان خود را از آن محوطه خارج کنند با تشکیل جلسه رئیس‌جمهور با وزیر علوم که برپسیده شد چرا نیروها وارد محوطه دانشگاه شده‌اند آیا در نهایت بنابه گفته رئیس‌جمهور قداست علمی و اخلاقی و اعتبار و خوش‌نامی جامعه نخبگی این دانشگاه و دیگر محیط‌های علمی و آموزشی مخدوش نگردید؟والسلام.

**مدیرمسئول**

یکی از قطب‌هایی که حداد عادل به آن اشاره می‌کند، در تمام دوران‌ها حق داشته در خیابان، نمازجمعه، یا کفن و بی‌کفن حرف خود را بزند. چندین سال است که جامعه به دو بخش خودی و غیرخودی و حالا که به صورت جدی تبدیل به دوقطبی انقلابی و غیرانقلابی شده است. همان روز که این تقسیم‌بندی‌ها انجام می‌شد باید فکر امروز را می‌کردید.

عصرایران؛ مصطفی داننده– غلامعلی حداد عادل رئیس مجلس هفتم شورای اسلامی و عضو فعلی مجمع تشخیص مصلحت نظام در جمع اسنادان دانشگاه تهران که به واسطه بررسی اعتراضات اخیر کشور دور هم جمع شده بودند گفت: «متأسفانه جامعه ما به سرعت به سمت دوقطبی شدن پیش می‌رود، یک سمت شده حزب‌اللهی و یک طرف ضدحزب‌اللهی. این درحالیست که در جامعه با طیفی از سلیقه‌ها روبرو هستیم که در عین حال که باید این طیف را به سمت معنویت و اسلامیت سوق دهیم، ولی نباید واقعیتش را انکار کنیم.» جناب حدادراست می‌گوید، جامعه ایران به شدت دوقطبی و یا حتی چندقطبی شده است و هر دو طرف ساز خود را می‌زنند. اما بهتر است سیاستمدار متبحر در ادبیات به دلیل وقوع این دوقطبی هم اشاره می‌کرد. دوقطبی؛ قارچ نیست که پس از باران خود به خود رشد کند و حتماً دلایل مشخصی دارد. چندین سال است که جامعه به دو بخش خودی و غیرخودی و حالا که به صورت جدی تبدیل به دوقطبی انقلابی و غیرانقلابی شده است. همان روز که این تقسیم‌بندی‌ها انجام می‌شد باید فکر امروز را می‌کردید. وقتی همه امکانات را به سمت خودی‌ها هل می‌دادی باید به این شکاف بزرگ ایجاد شده فکر می‌کردید. اجازه بدهید در حوزه‌های مختلف این تقسیم‌بندی و تبعیض‌ها را باهم مرور کنیم. از همین صداوسیما شروع کنیم. سال‌هاست رسانه‌ای که باید ملی باشد در اختیار جریانی خاص است. هرچه میل این جریان باشد در تلویزیون پخش می‌شود و هرکه مثل آنها نباشد، یا درخروجی روبرو می‌شود و یک خط قرمز بزرگ روی نام آنها کشیده می‌شود. یکی از قطب‌هایی که حداد عادل به آن اشاره می‌کند، در تمام دوران‌ها حق داشته در خیابان، نمازجمعه، با کفن و بی‌کفن حرف خود را بزند. هیچ‌کس هم به تجمعات آنها نمی‌گوید، غیرقانونی! اما طرف مقابل اجازه کوچک‌ترین تجمع را ندارد. نکته جالب اینجاست

## خروجی اصلی حکومت

عباس عبیدی– هر سیستم یا نظامی سه بخش جداگانه دارد: اول ورودی، دوم فعل و انفعالات درونی و سوم خروجی. موفقیت هر سیستم در مقایسه ورودی و خروجی آن است، فعل و انفعالات درونی آن موضوعی فرعی محسوب می‌شود. البته اهمیت این فعل و انفعالات زیاد است ولی برای داوری درباره سیستم نیازی به آن نیست. برای نمونه یک تیم فوتبال را در نظر بگیرید. اگر بخوایم کارایی مری را در نظر بگیریم، شامل ورودی آن، باشگاه، امکانات آن، بازیکنان و قیمت و حقوق آنان و… خروجی آن نیز موفقیت‌های باشگاه و پیروزی‌های آن است. اینکه مری چه اخلاقی دارد؟ چگونه تمرین می‌دهد؟ چه دستیارانی انتخاب می‌کند؟ چه ترکیبی از بازیکنان را به زمین می‌فرستد؟ و چه سیستمی را برای بازی انتخاب می‌کند؟ مساله دیگری است که اهمیت آنها در این است که خروجی این سیستم چه بوده است؟ ورودی و خروجی‌های هر سیستمی کامیابش تعریف شده است. این فرآیند را برای داوری نسبت به دولت‌ها

## سینما

## آقای حداد! دوقطبی را چه کسی ساخت؟



که جریان انقلابی در همین روزها که شبکه چهار تلویزیون از برخی از چهره‌های ممنوع استفاده کرد، صدایش را بلند کرد که چسرا به اینها تریبون داده‌اید که حرف بزنند. به طور مثال سیدکاظم موسوی نماینده‌اردبیل در مجلس می‌گوید: «کرباسچی ۲۵سال قبل از ریل خارج شده است اما صدا و سیما به عنوان یک نهاد مقدس و مربوط به نهاد رهبری از وی دعوت می‌کند. از مسئولان صدا و سیما خواش می‌کنم افراد انقلابی و ولایی که به فکر نظام و شهدا هستند را به عنوان کارشناس به برنامه‌های خود دعوت کرده و از نقطه نظرات آنها استفاده کنند.» وقتی طرف مقابل در قدرت حضور دارد، کوچک‌ترین اتفاق‌ها تبدیل به یک مسئله جدی در کشور می‌شود اما زمانی که دوست در راس قدرت است، حتی بزرگ‌ترین مشکلات، امتحان

نیز باید در نظر گرفت. دولت‌ها باید متوجه خروجی‌های اصلی باشند. در فوتبال اینکه یک تیم چه تعداد پاس می‌دهد؟ پاس سالم می‌دهد، چند دقیقه از بازی دست آنان است؟ یا چند تا کرنر زده؟ یا هر چیز دیگر که مشابه هستند را خروجی نمی‌نامند. حتی اینکه چه تعداد گل زده هم دستاورد نیست، اینکه چه تعداد بازی را برده و در لیگ چه امتیازی دارد، خروجی اصلی است. البته موارد قبلی می‌تواند دستاوردهای واسطه و بینابینی باشد برای بهبود دستاورد اصلی که «پیروزی» است، ولی افتخار به آنها هیچ اهمیتی ندارد مگر هنگامی که با پیروزی همراه باشد. حتی تهاجمی یا تدافعی بازی کردن نیز اهمیت ندارد. همه اینها گفته شد تا به مساله سیاست و دولت پرداخته شود. اینکه معیار موفقیت یک دولت چیست؟ در واقع خروجی اصلی سیستم (دولت) چیست؟ دولت‌ها یک خروجی همیشگی دارند که به نسبت بازی است. رشد پایدار و عدالت‌ه وظیفه اصلی دولت‌هاست. خوشبختانه در ابلاغیه سیاست‌های کلی برنامه هفتم به همین نکته اشاره شده است. همچنین هر دولتی ممکن است برحسب شرایط ویژه، وظیفه مشخص دیگری را نیز عهده‌دار شود. مثلاً پایان دادن به جنگ، با پیروزی

یا صلح شرافتمندانه، یا پایان دادن به یک جنگ و تنش داخلی از طریق ایجاد وحدت و تقاهم جمعی، یا پایان دادن به یک بحران خاص زیست محیطی و… ولی همان‌طور که گفته شد اصلی‌ترین خروجی سیستم دولت و حکومت باید ایجاد رشد پایدار و عدالت‌ه باشد. چنین رشدی بالطبع مستلزم افزایش سرمایه‌گذاری، کارآمد کردن دولت، رشد اشتغال، کنترل تورم، کاهش ضریب جینی، بهبود امنیت، بهبود زیرساخت‌ها، جلب اعتماد مردم و موارد مشابه است. این رشد باید به گونه‌ای باشد که با توجه به ورودی‌های سیستم دولتی، موجب عقب افتادن کشور از سایر کشورها نشود و جایگاه کشور ضریب جینی، بهبود امنیت، بهبود زیرساخت‌ها، جلب اعتماد مردم و موارد مشابه است. این رشد باید به گونه‌ای باشد که با توجه به ورودی‌های سیستم دولتی، موجب عقب افتادن کشور از سایر کشورها نشود و جایگاه کشور اگر بهبود نمی‌یابد، بدتر هم نشود. دولت‌ها در ارایه گزارش عملکرد خود این چارچوب را به هم می‌ریزند. به این معنا که به جای دفاع از خروجی اصلی به نکاتی از بخش میانی یا همان مقدمات کار برای رسیدن به هدف اشاره می‌کنند، بدون اینکه میزان تحقق هدف اصلی را شرح دهند. برای نمونه اینکه یک مدیر روزانه ۱۲ یا ۱۶ ساعت کار کند، یا هر روز با مردم دیدار داشته باشد، یا با فلان خطای مدیر زیردستش چگونه برخورد کند، یا حتی بسیاری از متغیرهای دیگر مثل راه، آموزش، بهداشت،

## چرا فرهنگ رسمی نزد جوانان معترض جذاب نیست؟

خاطر ارتقای اداری رعایت می‌کنند و نهایتاً چهارشنبه‌آخر هفته ریش خودرا می‌تراشند و به‌شمال یا داموند می‌روند و دوباره از شنبه شروع می‌کنند. خانم‌های متفاوت اما امکان این انطباق را ندارند و میان آنان با فرهنگ رسمی بیشتر فاصله می‌افتد. به گونه‌ای که مرد هوادار فرهنگ رسمی یا معترض را دشوارتر از زن می‌توان تشخیص داد.

پنجم: هیچ‌گاه مداحان این قدر میدان‌دار تبلیغ فرهنگ رسمی نبودند. روحانیون چنان درگیر سیاست و قدرت شدند که کار تبلیغ فرهنگ رسمی به خصوص در صداوسیما به دست مداحان افتاد. سر و کار مداحان هم با احساسات است و بازار آنان هر قدر در ماه‌های سوگواری پر رونق باشد در ماه‌های دیگر کالای چندانی برای عرضه ندارند چون بنشان بر اشک‌انگیزی است. درست است که با تأکید بر شیوه‌های احساسی جوانانی را در آن سو جذب می‌کنند و بعضاً پشتوانه‌ای برای تحصیل سهمیه‌ای و استخدام و نشتن در جایگاه‌های مدیریتی می‌شود اما نزد دیگر جوانان این تصور پدید آمده‌که فاقد روح فرهنگی و به قصد پیش‌رفت‌های مادی است و جامعه‌رادو قطعی کرده‌تا به تعبیر آقای حدادعادل یا شخص صددرصد حزب‌اللهی است یا کاملاً مخالف.

ششم: دقت کنیم که صحبت از جذابیت است نه حقانیت و مفید بودن. کدوی آب‌بز هر قدر هم پرخاصیت باشد جذابیت مرغ سوخاری و پیتزا را برای نسل جوان ندارد حالا شما از صبح تا شب اندر فولاید کدوی آب‌بز و

مضرات پیتزا در صدا و سیما برنامه بگذار!

هفتم: مردم کالای مورد نیاز خود را اگر در بازار رسمی پیدا نکنند به بازار غیررسمی رجوع می‌کنند. روزگاری نیاز معنوی غالب جامعه را روحانیون تأمین می‌کردند. بعدتر که آنان درگیر حکومت و از جامعه دور شدند بازار کلاس‌های معنویت و موفقیت و مثبت‌اندیشی گرم شد و بعد خود آنها درگیر جنبه‌های تجاری و پول‌دار شدن در



که تخصص داشتن یعنی کشک، یعنی احتیاجی نیست زیاد به خودتان زحمت دهید و کار یاد بگیرید؛ کافی است انقلابی باشید تا کارهایتان پیش برود. مهاجرت؛ شاخ و دم ندارد. وقتی یکی از این متخصص‌ها پشت در یکی از انقلابی‌های بی‌تخصص بماند، عزم فرنگ می‌کند. می‌رود جایی که تخصص او را پذیرا باشند. همه ترک وطن‌کردن‌ها به خاطر مشکلات اقتصادی نیست. گاهی نبود عدالت اجتماعی باعث می‌شود بخشی از مردم چشم خود را به روی علائق‌های‌شان از جمله خانواده و وطن ببندند و راهی غربت شوند. بله آقای حداد عادل، شما راست می‌گویید اما بهتر است اول دلایل این دوقطبی‌سازی را پیدا کنید و باتوجه به قدرتی که دارید به حل آن کمک کنید تا این دره بزرگ‌تر نشده است.

جمعیت و… را ردیف کند، اهمیت اصلی را ندارد. او باید توضیح دهد که این دستاوردها در نهایت به چه میزان رشدی منجر شده؟ آیا این رشد پایدار است یا خیر؟ و آیا به برابری ملموسی کمک کرده یا خیر؟ اینکه دولت و رئیس‌جمهور ۳۱ سفر استانی در یک‌سال رفته‌اند، باید اثرات خود را در خروجی نشان دهد، چنین رفتاری به خودی خود نه مطلوب است و نه مذموم. مثل مری که مشکل معینی تمرین می‌دهد. مفید بودن و نبودن این شکل از تمرین را باید در کارایی و موفقیت تیم دید. البته پس از توافق در باره مثبت یا منفی بودن خروجی سیستم می‌توان در باره علل آن با راجع به فعل و انفعالات داخل سیستم بحث کرد، ولی پیش از این مرحله، بحث کردن از وضعیت‌ها و متغیرهای داخل سیستم کاری بی‌نتیجه است. همان طوره که همه اقدامات پزشک باید منجر به رفع بیماری و رسیدن بیمار به یک وضعیت پایدار از نظر علام حیاتی و عادی زندگی شود. برشمردن همه اقدامات دیگر پزشک مقدمات لازم برای رسیدن به هدف نهایی است که درمان و بازپایی سلامت بیمار است و الا آن اهداف به خودی خود هیچ ارزشی ندارند. «روزنامه اعتماد»

اشتباه محاسباتی شد و گمان کرد هرچه ایدیولوژی بیشتر تزریق کند بچه‌های مطیع‌تری تحویل جامعه می‌دهد و از این‌رو می‌توان حدس زد بزرگ‌ترین چالش بعد از این تحولات گریبان مدیریت آموزش و پرورش را خواهد گرفت. چون حکومت انتظار تبلیغ بیشتر گفتمان رسمی را دارد و خانواده‌ها کمتر. یک دلیل هم این است که فرزندان خودشان غالباً با مدارس غیرانتفاعی درس می‌خوانند یا در مدارس شاهد و با این که ۳۴ سال از پایان جنگ گذشته مدارس خاص برپاست و از فضای مدارس دولتی دورند. دهم: فرهنگ رسمی نزد جوانان معترض جذاب نیست چون ایران متکثر و متنوع است و اگر بتوانند اقتصاد را به انحصار درآورند و حاکمیت را با حلف پیشاپیش ربقا در انتخابات یک‌دست کنند فرهنگ یک‌دست شدنی نیست چون جوانان امروز در بطن انقلاب هوش پرورش یافته‌اند و در دو سال کرونا در این فضا زندگی کرده‌اند. نمی‌توانی فضا را به روی دختران باز کنی و بعد انتظار داشته باشی مانند مادران و مادربزرگ‌ها بنشیندند و زندگی کنند.

فرهنگ رسمی گرفتار یک تعارض جدی شده چون اگر از این دختران فقط انتظار مادری و همسری دارد نه نقش اجتماعی چرا این همه میدان می‌دهد و در حال تحصیل و فعالیت‌اند و اگر به رسمیت شناخته بگذارند در سیاست، در اقتصاد و در فرهنگ رشد کنند.

مشکل اصلی فرهنگ رسمی با زنان است که نمی‌داند آنان را برای جامعه پرورش دهد یا برای همسری و مادری.

در رژیم گذشته در اولی افراط شد و در سال‌های اخیر در تبلیغ برای بازگشت به خانه در دومی. شرعی‌هم به علیه سنت شورید و هم علیه مدرنیسم تصنعی و در میانه زن مطیخی و زن عروسکی زنی دیگر را وارد جامعه کرد.

دختران وزنان نسل تازه و فاصله‌دار با گفتمان رسمی هرقدر هم به ساختار معترض باشند از این حیث به روح انقلابی تعلق دارند.



